

قفقاز در پروسه تنش زدایی

سرویس قفقاز/خبرگزاری آران

خبر گرد رستمی

خبرگزاری آران / سرویس قفقاز : تشدید پروسه تنش زدایی بین ارمنستان و ترکیه، فشار آمریکا به ترکیه جهت بازکردن مرزهای خود با ارمنستان و در نهایت امضای معاهده بین ارمنستان و ترکیه، فعال شدن آمریکا و روسیه در حل مناقشه قره باغ کوهستانی ، گرایش جمهوری آذربایجان به طرف روسیه برای ایجاد توازن در منطقه در صورت عادی شدن روابط ارمنستان و ترکیه و در نهایت مطرح شدن طرح امنیتی ترکیه برای صلح قفقاز، همکاری مشترک ترکیه با روسیه در قفقاز بدون حضور سایر قدرت های منطقه ای و بین المللی، در مجموع پدیده هایی هستند که حداقل در حوزه انتزاعی امنیت سازی و امنیت سوزی قفقاز موثر است.

قفقاز جنوبی منطقه ای است متشکل از 3 کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان که توسط 3 قدرت منطقه ای یعنی ایران، روسیه و ترکیه محاصره شده است. موقعیت جغرافیایی و اهمیت استراتژیک قفقاز جنوبی، این منطقه را به یکی از مهم ترین مناطق جهان تبدیل کرده است. به لحاظ فرهنگی، قفقاز مرز میان تمدن اسلامی و تمدن مسیحی و 3 فرهنگ روسی، ترکی و ایرانی است.

موقعیت استراتژیک قفقاز در مسیر تلاقی آسیا، اروپا و خاورمیانه، این منطقه را به صحنه رقابت سیاسی و اقتصادی قدرت های بزرگ تبدیل کرده است. از دیدگاه اقتصادی وجود منابع نفت و گاز بر عطش بازیگران خارجی افزوده است.

در حوزه امنیتی طرح ها و الگوهای منطقه ای و فرامنطقه ای متنوعی در جهت ایجاد امنیت در قفقاز ارائه گردیده، ولی در نهایت با توجه به اهداف سیاسی این طرح ها، نه تنها امنیت واقعی در منطقه حاصل نشد بلکه به نوعی گسل های بحران در منطقه دوباره فعال شده است. مناقشه قره باغ که 2 قوم همسایه را علیه یکدیگر شورانده بارزترین وجه این دگرگونی اسفبار است.

آذری ها می گویند: قره باغ همیشه بخشی از ولایت گنجه و تحت حاکمیت مسلمان ها بوده است؛ ارمنی ها می گویند قره باغ از لحاظ جغرافیایی منتهی الیه شرقی فلات ارمنستان را تشکیل می دهد و با مرزهای جلگه ای که اطراف آذربایجان است تفاوت آشکار دارد.

آذربایجان نیز متقابلاً چنین عنوان می کند که بخش های جلگه ای و کوهستانی ولایت گنجه قره باغ و مرزهای شرقی اش نه تنها با هم توافری ندارند بلکه لازم و ملزوم یکدیگر نیز هستند، زیرا قره باغ بیلاقی نواحی قشلاقی جلگه های اطرافش می باشد.

ارمنی ها بر نقش قره باغ به عنوان مهد ادب و فرهنگ ارمنی و مقر آخرین حکومت های مستقل ارمنی تاکید داشته و با اشاره به آخرین بازماندگان پادشاهی ارمنستان در ولایت «سیونیک» - که تقریباً با قلمرو کنونی جمهوری ارمنستان مطابقت دارد - از تداوم سلطه تقریباً مستقل حکمرانان ارمنی در قره باغ یاد می کنند.

سستی حاکمیت روس ها و تلاش ناموفق گورباچف برای جلوگیری از زوال محتوم رژیم شوروی، سرآغازی بود بر طرح مجدد انبوهی از مشکلات سرکوب شده 70 سال گذشته و از جمله مساله قره باغ که با شکست تلاش ها و ناتوانی مقامات کمونیست مرکزی و محلی در حل و فصل موضوع در قالب های متعارف حاکم و استقلال جمهوری های ارمنستان و آذربایجان بحران قره باغ به صورت يك تعارض و رویارویی آشکار درآمد.

نقش روسیه در قفقاز

رهبری روسیه دشوارترین شرایط سیاسی را پس از فروپاشی اتحاد شوروی در قفقاز دارد. در قرن 19 منطقه قفقاز یکی از اصلی ترین کانون های ناآرامی ها و تنش های قومی بود. بیش از 5 قبیله در این ناحیه اوستیا ساکن بودند. آنها در 6 جمهوری در روسیه و 2 جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی در گرجستان سازمان یافتند. اوستیا های شمالی از اوستیای جنوبی جدا شده ، کارباردها از آدیغه جدا شده به بالکارها پیوسته بودند. چچن ها و اینگوشی ها نیز جدا شده از یکدیگر بودند حداقل 30 مورد منازعه و کشمکش در میان اهالی قفقاز وجود داشت. روسیه از قرن نوزدهم سلطه خود را بر قفقاز تحکیم نمود.

پس از انقلاب اکتبر 1917 ، 3 جمهوری مستقل در این منطقه شکل گرفتند؛ آذربایجان، ارمنستان و گرجستان ولی پس از دوران کوتاهی استقلال این جمهوری ها در سال 1920 یکی پس از دیگری تحت کنترل کامل روسیه قرار گرفتند. منطقه کوهستانی قره باغ با اکثریت ارمنی آن در داخل خاک آذربایجان قرار گرفت و ناحیه نخجوان تحت حاکمیت آذربایجان، ولی در داخل خاک ارمنستان واقع شد.

اجرای سیاست های بازسازی از دوران گورباچف سبب بروز اختلافات کهنه در میان آذربایجان و ارمنستان گردید. جمعیت ارمنی ساکن در منطقه کوهستانی قره باغ که 90 درصد اهالی آن را تشکیل می دادند، از سال 1988 خواستار الحاق به ارمنستان شدند که با مخالفت شدید آذربایجان روبه رو شد.

ارمنستان که دارای همگون ترین ترکیب نژادی در میان جمهوری های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی است، حمایت گسترده ای از ارمنی های قره باغ به عمل آورد. «لئون تر پتروسیان» رئیس جمهور وقت در برابر فشارهای حزب ملی گرای دانشناکسیون برای الحاق قره باغ به خاک ارمنستان قرار گرفت.

دانشناک ها بیش از يك قرن است که برای استقلال و عظمت ارمنستان تلاش می کنند. آذربایجان متقابلاً در برابر حمایت ارمنستان از ارامنه جدایی طلب قره باغ، این کشور را در محاصره اقتصادی قرار داد. ارامنه مهاجر که در فرانسه و آمریکا دارای نفوذ بسیاری هستند حمایت گسترده ای را از این کشور انجام دادند. آنها در آمریکا موفق شدند قانون منع ارائه کمک های اقتصادی آمریکا را به آذربایجان به دلیل در محاصره اقتصادی قرار دادن ارمنستان به تصویب برسانند. رئیس جمهور غرب گرای این جمهوری «ایلچی بیگ» کوشید با توسعه روابط با ترکیه و آمریکا بر مشکلات سیاسی - اقتصادی خود فائق آید؛ آذربایجان در دوران او روابط پرتنش را با روسیه تجربه کرد. ایلچی بیگ مدل توسعه در ترکیه را مطلوب جمهوری آذربایجان می دانست. درگیری ارامنه و ترک زبانان در قره باغ سبب تبدیل این جنگ منطقه ای به يك مساله بین المللی گردید.

در حالی که روسیه می کوشد براساس نقش سنتی و استراتژیک خود در قفقاز به این خصومت پایان دهد، سازمان ملل و سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز به طور فعال برای پایان دادن به آن تلاش کرده اند. گورباچف در تلاش بود تا از این درگیری هیچ يك از طرفین پیروز یا شکست خورده خارج نشوند. بهره برداری از نفت دریای خزر که قرارداد آن از سوی جمهوری آذربایجان با کنسرسیوم شرکت های نفتی غربی در سپتامبر 1994 به تصویب رسید، تحولات جدیدی را در قفقاز به وجود آورد.

روسیه، قفقاز جنوبی را به عنوان حیاط خلوت خود قلمداد کرده است و حاضر به پذیرش نقش آفرینی هیچ قدرت منطقه ای در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی نیست. از طرفی چون کشور جمهوری آذربایجان و گرجستان در تلاش هستند که از تنگناهای طرح امنیتی روسیه بیرون بیایند و خودشان را در الگوها و طرح های امنیتی غرب تعریف کنند و به همین جهت روس ها در فضای امنیتی قفقاز جنوبی ارمنستان را نقطه استراتژیک خود در درون قفقاز قرار داده و سپس اقدامات اساسی را در راستای طرح های خود به انجام می رسانند. روسیه با ارمنستان اتصال ژئوپلیتیک ندارد و برای رسیدن به آن باید گرجستان را هموار کند. به همین دلیل، اهمیت گرجستان برای روسیه صرفاً ناشی از تحولات داخلی گرجستان نیست بلکه می خواهد در صورت ادامه پروسه صدروسی و در کنار غرب واقع شدن گرجستان با ایجاد يك کردیدور بین اوستیای شمالی و اوستیای جنوبی، گرجستان را تقسیم و خود را به ارمنستان نزدیک کند؛ به عبارتی دیگر، روسیه برای فرود ژئوپلیتیک در منطقه، باید ارمنستان را حفظ و گرجستان را مدیریت کند به این ترتیب، آذربایجان در تله

استراتژیک روسیه خواهد افتاد.

ترکیه و ارمنستان

اگر دولت باکو از آشتی میان ترکیه و ارمنستان به خاطر تنها ماندن در برابر رقیب قدیمی اش و از دست دادن یک چهارم خاک خود یعنی منطقه قره باغ نگران است، در مقابل مسکو نگرانی بیشتری دارد و آن بیم رهبران کرملین از رانده شدن از کل قفقاز است که حیاط خلوت آنها محسوب می شود.

از یک طرف رهبران ترکیه و ارمنستان تحت فشارهای جهانی و به رغم برخی مخالفت ها در تلاش برای بازگشایی مرزهای خود هستند و صرف نظر از منافی که قدرت های خارجی در قفقاز جستجو می کنند در صورت تحقق روند آشتی میان آنکارا و ایروان، 2 کشور به منافی در سطح ملی و منطقه ای می رسند.

جمهوری ارمنستان علاوه بر خروج در انزوای منطقه ای از وابستگی شدیدی که به روسیه دارد رها می شود. همچنین تحقق روند آشتی می تواند پیوند تاریخی ترکیه و جمهوری آذربایجان را به سود ارمنستان سست کند، این در حالی است که ترکیه در جستجوی ایفای نقش فعال در منطقه قفقاز است. قطع رابطه با ارمنستان به عنوان یکی از 3 جمهوری منطقه سد راه مهمی در این سیاست ترک ها بود.

با برداشتن این سد، زمینه برای مانورهای این کشور در منطقه فراهم می شود. از دیگر سو برقراری رابطه با ارمنستان شرایط ورود این کشور به اتحادیه اروپا را آسان می کند و لابی ارمنه در غرب دیگر در راه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا سنگ اندازی نخواهد کرد.

بهبود روابط ترکیه و ارمنستان و تلاش 2 کشور برای عبور از اختلافات دیرینه شان آذربایجان را که در مناقشه قره باغ از حمایت آنکارا برخوردار بود به مصالحه با ارمنستان و تلاش برای یافتن راه حلی مسالمت آمیز برای بحران قره باغ ترغیب کرد.

وزرای امور خارجه ارمنستان و ترکیه طی نشست در زوریخ که با حضور تعدادی از مقامات اروپایی و هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا برگزار شد توافقنامه ای را امضا کردند که علاوه بر تلاش مشترک برای عبور از اختلافات دو طرف بر سر کشتار ارمنه توسط سربازان امپراتوری عثمانی راه را بر بازگشایی مرزهای مشترک دو کشور هموار کرد.

ترکیه و ارمنستان که مناسباتشان از سال 1993 قطع شده، در آوریل 2009 با تصویب طرحی موسوم به «نقشه راه» برای عادی سازی روابط خود گام برداشتند در نقشه راه که در پارلمان های هر دو کشور به تصویب رسید، مراحل و گام های این روند برای عادی سازی روابط مشخص شده است. در سال 1993 با اشغال منطقه کوهستانی قره باغ توسط

ارمنستان روابط دو کشور از سوی ترکیه قطع شد. آذربایجان، قره باغ کوهستانی را قسمتی از خاک خود می داند و ترکیه با باکو در این نقطه نظر که این اقدام ارمنستان نقض حقوق بین الملل است، شراکت دارد؛ موضوعی که توانست روابط باکو - آنکارا را بیش از پیش به هم نزدیک کند.

به هر حال علاقه مندی مسکو به مداخله در بحران قره باغ و حمایت مسکو از مذاکره جمهوری آذربایجان و ارمنستان برای حل اختلاف شان بر سر این منطقه هم زیاد به مذاق ترکیه خوش نیامده است.

به اعتقاد مقام های وزارت امور خارجه ترکیه دلیل اصلی پیشقدم شدن روسیه برای میانجیگری در این مساله ترسیم خدشه ای است که در جنگ با گرجستان به وجهه روس ها وارد آمد و شاید مهم تر از آن، روس ها خواستار جلوگیری از برقراری صلح بین ارمنستان و ترکیه باشند.

حل اختلاف ارمنستان و ترکیه و بازگشایی مرزهای 2 کشور به ضرر روس ها و عامل کاهش نفوذشان در ارمنستان خواهد بود، زیرا برقراری امنیت در مرزهای ارمنستان در حال حاضر نیز همانند دوران اتحاد جماهیر شوروی بر عهده ارتش روسیه است.

پایان پیام.